



ارتباط قلبی با اهل بیت نزدیکترین راه سعادت است

آیه مودت می خواهد از اصل رسالت نتیجه حاصل شود و اسلام ظاهری را که به شهادت شهادتین در بین مردم صورت گرفته، به درجه کمال بر اساس معرفت امام و وصول به درجه توحید برساند.

آیه مودت می خواهد از اصل رسالت نتیجه حاصل شود و اسلام ظاهری را که به شهادت شهادتین در بین مردم صورت گرفته، به درجه کمال بر اساس معرفت امام و وصول به درجه توحید برساند.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: به مناسبت ایام شهادت حضرت زهرا(س)، بخش دوم خلاصه ای از گفتار هفتم کتاب «تفسیر آیه مودت و نخستین قربانی» اثر علامه محمد حسین حسینی طهرانی تقدیم نظر می گردد؛

آیه مبارکه قرآن قل لا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى دلالت بر این معنی دارد . این آیه می خواهد از راه مودت به ذوی القربی، بشر را در راه امیرالمؤمنین و صدیقه کبری و حسنین علیهم السلام وارد کند. این آیه می خواهد مردم را با حقائق اسلام آشنا بنماید و بر سر نبوت مطلع سازد. این آیه می خواهد از اصل رسالت نتیجه حاصل شود و اسلام ظاهری را که به شهادت شهادتین در بین مردم صورت گرفته ، به درجه کمال بر اساس معرفت امام و وصول به درجه توحید برساند. این آیه می خواهد راه تمام مردم را منحصر به اهل بیت رحمت کند و آنان را از این منهل سیراب گرداند. این آیه می خواهد مردم را در این صراط که نزدیکترین راه است به سوی سعادت مطلقه و کوتاهترین مسیر است به هدف اصلی، رهبری نماید.

و حقاً چقدر این معنی بزرگ و پر ارج است که مزد رسالت شمرده شده است. هیچ حکمی در قرآن مجید به اندازه این حکم، دارای این درجه از اعتبار نیست .

مسلمانی که بدون مودت ائمه طاهرين عليهم السلام باشد رابطه اش با نبوت قطع می گردد

اگر مسلمانی به هریک از گناهان دست زند باز اصل و ریشه اسلام او باقی است و روابط قلبیه او با نبوت گسیخته و یکباره گسسته نشده است، ولی مسلمانی که بدون مودت ائمه طاهرين باشد و در راه و طریق آنها وارد نشود و از مزایای روحی و اخلاقی آنان بر اساس ولایت آنها استفاده نکند، رابطه اش با نبوت مقطوع می گردد؛ چنین کسی اسلامش بلاعقب و نابسامان خواهد بود .

چنین افرادی در زمان رسول الله بواسطه نورانیت و حرارت معنوی آن حضرت تا اندازه ای خود را در پرتو آن نور قرار داده و به آن منبع حرارت نزدیک کرده اند ، ولی بعداً در محیط تاریک و سرد ، فسرده شده و به حالت قهقری به جاهلیت دوران گذشته رجوع نموده اند .

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَلَا يَنْتَفِعُونَ بِالَّذِينَ مَاتُوا قَتِيلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فُلَن يَصُرْ اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ. (۴)

« و نیست محمد مگر فرستاده خدا که قبل از او نیز فرستادگانی آمده و رفته اند. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود ، شما به همان افکار دوران جاهلیت رجوع می کنید؟ کسی که به دو پاشنه پای خود از عقب به قهقری واژگون گردد به خود صدمه وارد آورده است و به خدا ضرری نرسانیده است ، و خداوند سپاسگزاران را (که به جلو حرکت کنند و در راه و روش رسول الله سیر کنند) جزای نیک خواهد داد.»

این آیه راجع به کسانی است که پس از رحلت رسول خدا به دنبال افکار نفسانی خود رفته و ندای « کفانا کتابُ الله » را در داده و خود را نیازمند به خاندان علم و طهارت ندیدند و به دنباله مسیر نبوت در طریق ولایت قدمی نگذاشتند ، و لذا در همان افکار جاهلی خود باقیمانده و در همان جا دفن شده اند.

سر تاکید زیاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مودت اهل بیت علیهم السلام

باری ، شاید نتیجه مودت به اهل بیت که تا این درجه مورد اهمیّت قرار گرفته و مزد و پاداش نبوت و زحمات طاقت فرسای نبی اکرم واقع شده است، در زمان خود رسول الله واضح نبوده، و چه بسا بسیاری در شگفت بوده اند که مودت به اهل بیت چه

حکمتی را در بردارد که در مقابل زحمات رسول الله قرار گرفته است و چه بسا در بسیاری از نوشتجات اهل تسنن نیز ملاحظه می شود که آنها هنوز هم در این شگفت باقی بوده و نتوانسته اند مطلب را حل کنند.

ولی پیغمبر اکرم که پدر معنوی امت است با وجوب مودت ذوی القربی خواسته است امت را در راه صفا و محبت قرار دهد؛ چون با نور الهی که فکشتنا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَيَصْرَكَ الْيَوْمَ حَدِيد (۵) «ما پرده را از جلوی چشم تو برداشتیم و دیدگان تو امروز بسیار تیزبین شده است» حقائق امور و طهارت ائمه طاهرين بر آن حضرت مکشوف بوده و با چشم دل تمام آنان را در راه و روش خود مشاهده می نموده است.

کلام محی الدین بن العربی در تفسیر آیه مودت

در تفسیر منسوب به محیی الدین ابن العربی در ذیل آیه مودت می گوید: ثمره و نتیجه مودت راجع به خود مردم است؛ چون مودت سبب نجات است، به علت آنکه مودت با اهل بیت موجب نزدیکی و تناسب با آنان در افق روحانیت است که بالتبیین مستلزم با اجتماع آنان در حشر خواهد بود، کما آنکه پیغمبر اکرم علیه الصلوة و السلام فرموده است: الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ. «انسان با محبوب خود معیت و همبستگی دارد.»

کسی که روحش نورانی باشد امکان ندارد اهل بیت را دوست نداشته باشد

بنابراین نتیجه مودت با اهل بیت چون راجع به خود امت است، در حقیقت اجرای برای پیغمبر نخواهد بود و ممکن نیست کسی که روح او تاریک و ظلمانی بوده و از مرتبه اهل بیت دور باشد آنها را واقعاً دوست داشته باشد، کما آنکه ممکن نیست که کسی روح او نورانی باشد و خدا را به حق المعرفه شناخته و دوست داشته و به مقام توحید نائل آمده باشد، ولیکن ائمه اهل بیت را دوست نداشته باشد.

و سر این مطلب آن است که آنها اهل بیت نبوت و معدن ولایت و فتوت هستند، آنها در عنایت اولیّه حضرت باری تعالی، محبوب ذات اقدس او شده اند و در محلّ اعلی و حرم قدس به دست حضرت ذوالجلال تربیت یافته اند، پس دوست ندارد آنها را مگر کسی که خدا و رسول خدا را دوست داشته باشد، و خدا و رسول خدا نیز او را دوست داشته باشند.

و اگر به فرض ائمه اهل بیت در بدایت امر که همان عالم مشیت الهی است محبوب ذات احدیت نبوده باشند، هیچ گاه رسول خدا آنها را دوست نمی داشت؛ چون محبت رسول خدا عین محبت خداست در عالم تفصیل و کثرت، بعد از آنکه عین محبت خداست در عالم جمع و وحدت.

سپس می گوید: مراد از قریبی در آیه شریفه همان چهار نفری هستند که در حدیث نبوی ذکر شده است. چون از آن حضرت سؤال نمودند: یا رسول الله! اقربای شما که مودت آنان بر ما واجب شده چه کسانی؟ فرمود: عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ أُبْنَاؤُهُمْ؛ علی و فاطمه و حسین و پسران آن دو. « - انتهی کلام محیی الدین. (۶)

روحیه رأفت و بزرگواری در موالیان ائمه و روحیه خشونت در مخالفان آنها مشهود است

و شاید روی همین زمینه محبت و خلوص و ارتباط معنوی با ارواح ائمه طاهرين باشد که در شیعیان و موالیان آنها رأفت و عطوفت و سماحت بیشتر است، و در مخالفین آنها خشونت و قساوت بیشتر.

ابن ابی الحدید می گوید: و قد بَقِيَ هَذَا الْخَلْقُ مُتَوَارِثًا مُتَنَاقِلًا فِي مُحَبِّهِ وَ أَوْلِيَائِهِ إِلَى الْآنَ، کَمَا بَقِيَ الْجَفَاءُ وَ الْحُشُونَةُ وَ الْوُغُورَةُ فِي الْجَانِبِ الْآخَرِ. و مَنْ لَهُ أُذُنِي مَعْرِفَةٍ بِأَخْلَاقِ النَّاسِ وَ عَوَايِدِهِمْ يَعْرِفُ ذَلِكَ؛ و این خلق کریم در بین محبان و دوستان امیرالمؤمنین تا بحال به نحو توارث انتقال یافته است، همچنانکه جفاء و خشونت و سنگین دلی در طرف دیگر به نحو توارث منتقل شده است. و کسی که کوچکترین معرفتی به اخلاق مردم و نتیجه برخورد آنان با یکدیگر در ابراز صفات روحی داشته باشد، این مطلب را خوب دریافت می نماید. «(۷)

حدیث امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه مودت و توصیه به دعوت جوانان اهل سنت به ولایت ائمه علیهم السلام

بر همین اساس است که حضرت صادق علیه السلام توصیه می کنند که جوانان اهل سنت را به ولایت ما دعوت کنید؛ چون روح آنها هنوز به شقاوت سخت نشده و بیشتر مائل به حرکت بسوی خیر خواهند بود.

از محمد بن یعقوب کلینی با اسناد متصل خود از اسمعیل بن عبد الخالق روایت شده است که میگوید : سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لَابِي جَعْفَرِ الْأَحْوَلِ وَ أَنَا أَسْمَعُ فَقَالَ: أَتَيْتَ الْبَصْرَةَ ؟ قَالَ: نَعَمْ ! فَقَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ مُسَارَعَةَ النَّاسِ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ وَ دُخُولِهِمْ فِيهِ؟ فَقَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّهُمْ لَقَلِيلٌ وَ قَدْ فَعَلُوا وَ إِنَّ ذَلِكَ لَقَلِيلٌ ! فَقَالَ: عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ حَيْرٍ .

ثُمَّ قَالَ: مَا يَقُولُ أَهْلُ الْبَصْرَةِ فِي هَذِهِ الْآيَةِ: قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ؟ قُلْتُ : جُعِلْتُ فِدَاكَ ! إِنَّهُمْ يَقُولُونَ: لِأَقْرَبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . فَقَالَ : كَذَبُوا، إِنَّمَا نَزَلَتْ فِيْنَا خَاصَّةً؛ فِي أَهْلِ الْبَيْتِ، فِي عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ، أَصْحَابِ الْكِسَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ (٨)

« من در حضور حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بودم که آن حضرت با أبوجعفر أحول تکلم می نمود و من می شنیدم . آن حضرت به أبوجعفر فرمود: آیا به بصره رفتی؟ عرض کرد: آری! حضرت فرمود: سرعت مردم بصره را در رجوع به ولایت اهل بیت چگونه یافتی؟ عرض کرد: سوگند به خدا که این دسته از مردم در بصره بسیار کم هستند؛ جمعی در ولایت اهل بیت داخل شده اند ولی بسیار کمند. حضرت فرمود: ای أبوجعفر ! جوانان را به این امر دعوت کن چون سرعت آنها در پیمودن راه خیر بیشتر است .

سپس فرمود: اهل بصره درباره آیه مودت فی القربی چه می گویند؟ عرض کردم: فدایت شوم! آنها می گویند: مراد از فی القربی اقربای رسول الله است . حضرت فرمود : دروغ می گویند، این آیه فقط درباره ما نازل شده است ؛ این آیه درباره اهل بیت ، درباره علی و فاطمه و حسن و حسین ، اصحاب کساء عليهم السلام وارد شده است .»

گفتار حضرت امام رضا علیه السلام درباره آیه اصطفاء و آیه مودت

و نیز ابن بابویه قمی با اسناد متصل خود از رِیَّان بن الصَّلْتِ روایت می کند که: چون مأمون حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را به مرو آورد و در مجلس مأمون جماعت کثیری از علماء عراق مجتمع بودند ، حضرت رضا علیه السلام آیات اصطفاء را قرائت کردند، تا آنکه آیه ششم از مورد کلام خود را آیه مودت فی القربی قرار داده و پس از شرح و تفصیلی فرمودند :

وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَارَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَوَدَّةَ قَرَابَتِهِ عَلَى أُمَّتِهِ وَ أَمَرَهُ أَنْ يَجْعَلَ أَجْرَهُ فِيهِمْ لِيُؤَدُّهُ فِي قَرَابَتِهِ لِمَعْرِفَةِ فَضْلِهِمُ الَّذِي أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمْ ، فَإِنَّ الْمَوَدَّةَ إِنَّمَا تَكُونُ عَلَى قَدْرِ مَعْرِفَةِ الْفَضْلِ . فَلَمَّا أَوْجَبَ اللَّهُ ذَلِكَ ثَقُلَ لِثَقُلَ وَجُوبِ الطَّاعَةِ فَأَخَذَ بِهَا قَوْمٌ أَحَدَ اللَّهِ مِيثَاقَهُمْ عَلَى الْوَفَاءِ وَ عَانَدَ أَهْلُ الشِّقَاقِ وَ الْتِقَاقُ فِي ذَلِكَ فَصَرَفُوهُ عَنْ حُدِّهِ الَّذِي قَدْ حَدَّهُ اللَّهُ ، فَقَالُوا : الْقَرَابَةُ هُمْ الْعَرَبُ كُلُّهَا وَ أَهْلُ دَعْوَتِهِ .

فَعَلَى أَىِّ الْحَالَيْنِ كَانَ ، فَقَدْ عَلِمْنَا أَنَّ الْمَوَدَّةَ هِيَ لِلْقَرَابَةِ فَأَقْرَبَهُمْ مِنَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَوْلَاهُمْ بِالْمَوَدَّةِ ؛ كَلَّمَا قُرْبَتِ الْقَرَابَةُ كَانَتْ الْمَوَدَّةُ عَلَى قَدْرِهَا . وَ مَا أَنْصَقُوا نَبِيَّ اللَّهِ فِي حَيَاتِهِ وَ رَأْفَتِهِ وَ مَا مَنَّ اللَّهُ بِهِ عَلَى أُمَّتِهِ يَمَا تَعَجَّرُ الْأَلْسُنُ عَنْ وَصْفِ الشُّكْرِ عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدُّهُ فِي قَرَابَتِهِ وَ ذَرِيَّتِهِ وَ أَنْ يَجْعَلُوهُمْ فِيهِمْ بِمَنْزِلَةِ الْعَيْنِ مِنَ الرَّأْسِ حِقْظًا لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ حُبًّا لَهُمْ. (٩)

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «و اما در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم، خداوند عز و جل محبت و مودت اهل بیتش را بر امتش واجب نمود و خداوند به رسول خود امر نمود که اجر خود را در مودت امت به اهل بیتش قرار دهد، تا آنکه امت بواسطه شناختن اهل بیت، آنها را دوست داشته و دائماً به نسبت مستقیم معرفت به آنها درجه حب و دوستی بالا رود؛ چون مودت طبعاً به مقدار معرفت فضل و درجه آنها خواهد بود.

همینکه خداوند مودت اهل بیت را در قرآن مجید واجب شمرد، بر گروهی این معنی سنگین آمد، چون اطاعت از اهل بیت برای آنان سنگین بود. جماعتی از صحابه این امر را پذیرفتند، این جماعت کسانی بودند که عهد خدا را در وفای به آن نشکستند و وفادار بودند. ولی اهل نفاق و دشمنی ، ولایت ائمه را نپذیرفتند و آن را از مجرای خود منحرف نمودند و از آن حدی که خدا معین نموده بود برگردانیدند و گفتند که : مقصود از قُربی تمام قریش و جماعت عرب است ، و مراد تمام افرادی هستند که مسلمان شده و دعوت آن حضرت را پذیرفته اند؛ تمام آنها ذوی القربای حضرت رسول الله هستند .»

پس حضرت رضا می فرماید : « اگر به فرض این معنی هم صحیح باشد ، لکن چون میدانیم که مودت تابع قرابت است ، بنابراین نزدیکترین افراد به رسول خدا سزاوارتر به مودت خواهد بود ، و هر چه قرابت بیشتر باشد به همان میزان باید مودت بیشتر باشد . لکن آنها با رسول خدا از در انصاف نیامدند و حق پیغمبر را درباره ذریه اش بجای نیاوردند ؛ آن حقی که خدای بر امت رسول الله متت گذارده و به عنوان مزد رسالت از آنها خواسته است ، آن حقی که زبانها از ادای شکرانه او عاجز است .

آنان این حق را ادا نکردند ، در حالیکه سزاوار بود بعد از این خطاب الهی اهل بیت رسول خدا را همچون چشمان خود حفظ نموده ، آنان را از هر گزند محفوف بدارند ، به جهت حفظ مقام رسول خدا و به جهت محبت به رسول خدا .»

سید قطب آیه مودت را به مودت عامه نسبت به قریش تفسیر می کند

عجیب است که هنوز بعضی از اهل تسنن از آن مرام خود دست بر نمی دارند و برای منحرف نمودن امت رسول خدا از اهل بیت عصمت بسیار پافشاری می کنند. سید قطب میگوید : معنی آیه شریفه این است که : من از شما هیچ مزدی طلب نمی کنم الا آنکه مودت من به اقربای خودم که قریش هستند مرا وادار به تبلیغ نموده است ؛ چون تمام قبائل قریش با رسول الله علاقه خویشاوندی داشتند . و سپس می گوید: این معنی در بسیاری از تعبیرات قرآنی در محل های خود برای من ظهور میکند!

سپس می گوید: در اینجا نیز از « صحیح بخاری » روایتی وارد است که : طاووس از ابن عباس روایت می کند که: چون از او از تفسیر آیه : إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَى سؤال کردند، سعید بن جبیر پاسخ داد که: مراد از نزدیکان آل محمدند. ابن عباس در جواب سعید گفت که: عجله نمودی در بیان معنی آیه، چون هیچ طائفه ای از قریش نیست مگر آنکه با پیغمبر رابطه خویشاوندی دارند؛ لکن مراد از آیه این نیست بلکه مراد از آیه آن است که من از شما مزدی نمی خواهم مگر آنکه رعایت قرابتی که بین من و شماست بنماید .

و بنابراین معنی چنین می شود که به جهت مراعات حق قرابت، مرا آزار نرسانید و حرف مرا گوش کنید و در مقابل هدایت من نرمی پیش گیرید؛ این فقط مزد من است، من مزد دیگری نمی خواهم. سپس می گوید : تأویل ابن عباس گرچه از تفسیر ابن جبیر به حقیقت نزدیکتر است ولیکن من همیشه آن معنایی را که خود نمودم به واقع نزدیکتر می یابم! (۱۰)

رد تفسیر سید قطب

ولیکن این کلام اصلاً صحیح نیست ، زیرا اولاً : سابقاً ذکر کردیم که این معنی خلاف ظاهر است و به هیچ عنوان نمی توان بدون دلیل و قرینه قطعیه ای آن را پذیرفت .

ثانیاً: عجیب است که با این همه روایات مستفیضه که از اهل تسنن در کتابهای خود راجع به مودت اهل بیت چه در مقام تفسیر آیه و چه در غیر آن نقل کردیم ، ایشان فقط این روایت را انتخاب نموده و ذکر می کنند که مراد از فی القربی جمیع طوائف قریش اند نه خصوص اهل بیت .

و ثالثاً : این روایت ابن عباس معارض با روایات دیگری است که از او نقل شده و در آنها جداً ذوی القربی را منحصر به ائمه اهل بیت شمرده است. و ما در طی بحثهای سابق از کتب و روایات اهل سنت روایاتی را از ابن عباس در این زمینه نقل کردیم. (۱۱)

مرحوم سید شرف الدین می گوید : کسی که این قول را به ابن عباس نسبت داده و به روایت صحیح بخاری در ذیل تفسیر آیه مودت اعتماد کرده، اشتباه کرده است. چون بخاری این حدیث را از محمد بن بشار و محمد بن جعفر روایت کرده و هر دوی آنها به اجماع امامیه از روات ضعیفند، کما آنکه یحیی بن معین در کتاب میزان الاعتدال بر ضعف محمد بن بشار بلکه بر کذب او تصریح کرده است. چگونه ابن عباس چنین کلامی گفته، با آنکه احادیث بسیاری از طرق صحیح در تفسیر قریبی به علی و فاطمه و فرزندان آن دو وارد شده و نیز حسته را به مودت آنان تفسیر نموده اند؟ (۱۲)

به هر حال باید دانست که مظلومیّت اهل بیت تا چه درجه ای است که بعد از هزار و سیصد سال که تفسیری نوشته میشود، باز بر همان مسلک بوده و حاضر نمی شوند قدمی در راه ولایت جلو گذارند .

۴. سوره ال عمران آیه ۱۴۴ ،

۵. سوره ق قسمتی از آیه ۲۲ ،

۶. تفسیر محیی الدین، ج ۲ ، ص ۴۳۲

۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱ ، ص ۲۶

۸. تفسیر برهان، ج ۴ ، ص ۸۱۵

۹. همان، ص ۸۱۸

۱۰. فی ظلال القرآن، ج ۷ ، سورة الشّوری ، ص ۳۱

۱۱. همان ص ۸۵ و ص ۸۷

۱۲. « الفصول المهمّة، ص ۲۲۴